

# در آمدی بر مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی

دکتر مهدی ناظمی، عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین (ع)

## مقدمه:

شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان بالاترین رده در نظام فرهنگی کشور، مأموریت و وظیفه حساس و پیچیده‌ای در مدیریت راهبردی فرهنگی کشور بر عهده دارد. به غیر از این مجموعه، هیچ جایگاه و مرکز دیگری در کشور وجود ندارد. دولت و مجلس و حتی مجمع تشخیص مصلحت نظام در رابطه با فرهنگ کشور وظایفی بر عهده دارند ولی هیچ کدام وظیفه‌ای که این شورا بر عهده دارد را عهده‌دار نبوده و نمی‌تواند انجام دهد (فرمایشات مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۱).

۱- شورای عالی انقلاب فرهنگی مرکز مهندسی فرهنگی کشور به حساب می‌آید. مهندسی فرهنگی کشور، نیازمند داشتن نگاه بلندمدت و بصیرتی راهگشا به آینده فرهنگی است تا این مجموعه کارشناسی زنده و ناب فرهنگی بتواند مجمع تشخیص مصلحت نظام را در سیاست‌گذاری کلان کشور هدایت کند (فرمایشات مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۱).

۲- علاوه بر مهندسی فرهنگی کشور، وظیفه مهم و اصلی دیگر شورای عالی انقلاب فرهنگی، مهندسی فرهنگ کشور است. فرهنگ کشور به یک نظم و جهت گیری و جهت‌یابی و انسجام بخشهای گوناگون دولتی و غیردولتی در باب فرهنگ نیازمند است. این شورا مسئولیت دارد که فرهنگ موجود کشور را بشناسد اگر در آن ضعف‌هایی وجود دارد آن را اصلاح کند و اگر در آن نفوذی هست، راه نفوذ را ببندد. (فرمایشات مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۱)

شورای عالی انقلاب فرهنگی در انجام وظیفه و مأموریت خاص خود که مهندسی فرهنگی کشور است مشخص می‌کند که فرهنگ ملی، فرهنگ

عمومی و حرکت عظیم درون‌زا و صبرورث بخش و کیفیت بخشی که به عنوان فرهنگ در درون انسانها و در جامعه لازم است وجود داشته باشد، چگونه باید باشد. اشکالات و نواقصی که در وضعیت موجود دارد چیست و چگونه باید رفع شود (فرمایشات مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۱).

مهندسی فرهنگ بدین مفهوم است که با یک بصیرت و یک فکر کلان و نگاه برتر و بالاتر، همه جریانهای فرهنگی داخل و خارج کشور دیده شده و مشخص شود که عناصر فرهنگی با چه کیفیتی باید باشند و حقیقت فرهنگ باید به کدام سمت برود. از سوی دیگر باید حرکت فرهنگ به سمت مطلوب، هدایت و مراقبت شود. هدایت و مراقبت حرکت فرهنگ به سمت مطلوب با مهندسی فرهنگی کشور انجام می‌پذیرد (فرمایشات مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۳).

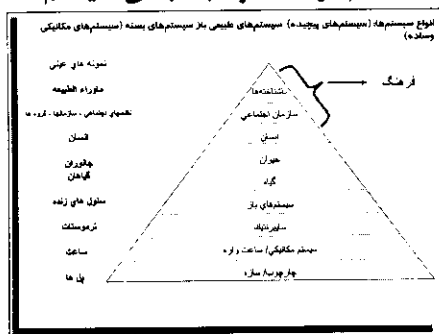
مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی کشور، وظیفه و مأموریتی است که از عمق و پیچیدگی بالایی در حوزه مدیریت راهبردی کشور برخوردار است. لازمه انجام چنین وظیفه‌ای بهره‌گیری از نتایج تلاشهای علمی و پژوهشی و مطالعاتی در موضوع فرهنگ و توسعه فرهنگی و در اختیار داشتن اطلاعات استراتژیک فرهنگی با رصد مستمر فرهنگی کشور و جهان می‌باشد. امکان تجزیه و تحلیل و بهره‌گیری از نتایج پژوهشهای فرهنگی انجام شده و اطلاعات استراتژیک فرهنگی برای انجام تصمیم‌گیری‌های استراتژیک و مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی کشور زمانی فراهم خواهد بود که شورای عالی انقلاب فرهنگی دارای عقبه علمی، فکری مناسب و اتاق‌های فکر برای تأمین دانش و بصیرت مدیریت راهبردی فرهنگی کشور باشد (فرمایشات مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۳).



هست؛ یعنی برای مهندسی فرهنگ باید اجزای فرهنگ را در جای خودشان قرار دهیم و تعامل آنها را به خوبی با هم برقرار کنیم.

در کنار مهندسی سیستم، بحث مدیریت سیستم را داریم. قاعدتاً یک سیستم نخست مهندسی شده بعد از آن مدیریت می‌شود توالی و تناسب مدیریت و مهندسی به این ترتیب با هم برقرار می‌شود

## • سیستم فرهنگ در طبقه بندی سیستم‌ها



متمایز است. بنابراین هر گاه که موضوع مهندسی سیستم مطرح می‌شود جایگاه اجزای سیستم، تعامل آنها با یکدیگر و در جهت هدف حرکت کردن آنها موضوعیت دارد.

در موضوع فرهنگ تعاریف متعدد و زیادی هست. با وجود بیش از سیصد تعریف مختلف از فرهنگ، در مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی کشور تعریفی مبنا قرار می‌گیرد که در آن:

- تعریف حداکثری از فرهنگ
- نگاه سیستمی به فرهنگ
- ارتباط نظام فرهنگ با سایر نظامات جامعه لحاظ شده باشد.

یکی از تعاریفی که قابل استفاده است، تعریفی است که به ترکیب فرهنگ اشاره می‌کند؛ یعنی فرهنگ را مجموعه‌ای از عناصر می‌بیند که این عناصر در تعامل با همدیگر هستند و یک کل را می‌سازند. بنابراین اگر فرهنگ را یک سیستم ببینیم، مهندسی فرهنگ، مهندسی سیستم فرهنگ

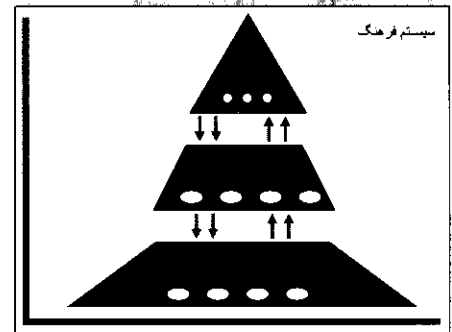


اگر بخواهیم جایگاه فرهنگ را در مجموعه سیستم‌ها در نظر بگیریم، باید الگوی طبقه‌بندی سیستم‌ها را مد نظر قرار دهیم. می‌دانیم که سیستم‌ها از ساده به پیچیده، از بسته به باز تکامل و رشد پیدا می‌کنند.

جایگاه فرهنگ به عنوان یک سیستم، جایگاهی است که سیستم‌های متکامل‌تر را در بر می‌گیرد. وقتی فرهنگ را به عنوان یک سیستم در نظر بگیریم قاعدتاً باید اجزای آن را مورد توجه و در حقیقت مدل سیستمی آن را مد نظر قرار بدهیم.

در یک تعریف، فرهنگ را ترکیبی از سه لایه دانسته‌اند که عبارتند از: لایه بنیادی، مفروضات اساسی، لایه میانی، ارزش‌ها و لایه بیرونی که لایه نمادها و رفتارهاست.

در هر لایه عناصری هستند که این عناصر در تعامل با همدیگر قرار می‌گیرند

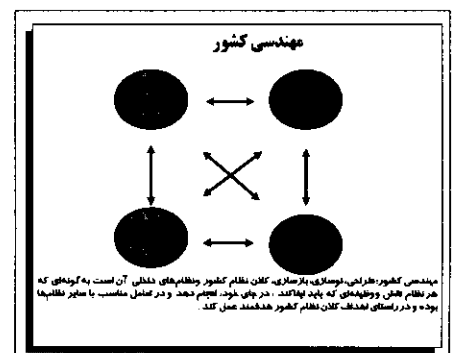


• مهندسی فرهنگ

مهندسی فرهنگ عبارت است از طراحی، نوسازی و بازسازی سیستم فرهنگ.

• مهندسی فرهنگی

در یک تقسیم‌بندی چهار زیرسیستم را برای یک جامعه در نظر می‌گیرند: نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. در مهندسی فرهنگی کشور قاعدتاً باید این چهار نظام هر کدام دارای نقش و وظیفه معین بوده و در جای خود قرار داشته باشند و در تعامل مناسبی با هم باشند تا به اهداف خود و اهداف کلان نظام برسند.



مهندسی کشور با دارای انواعی است و جوامع را بر حسب اهداف غایی آنها باید مهندسی کرد. اگر اهداف غایی جامعه‌ای، اهداف فرهنگی باشد، این جامعه ملزم خواهد بود خود را

مهندسی فرهنگی کند و هم مدیریت فرهنگی را بر مجموع اجزاء جامعه حاکم کند. مدیریت فرهنگی در اینجا منظور مدیریت دستگاه‌های فرهنگی نیست، بلکه در همه حوزه‌ها باید مدیریت فرهنگی حاکم باشد. اهداف غایی مدیران اقتصادی و سیاسی هم باید اهداف فرهنگی باشد.

واژه‌هایی که خیلی با آنها در موضوع مهندسی فرهنگی کشور سروکار داریم؛ عبارت اند از: «کارکرد» و «ساختار». هر سازمانی، هر نهادی، هر جایگاه سازمانی به دنبال اهدافی است، یا به دنبال تأمین نیازی از جامعه هست. آن مجموعه وظایف و فعالیت‌های اصلی را که یک سیستم بر عهده دارد، به عنوان کارکرد سیستم منظور می‌کنند. بنابراین از دل اهداف، کارکردها بیرون می‌آیند و متناسب با کارکردها، ساختارها درست می‌شوند. ساختارها همان سازمان‌ها و دستگاه‌ها و نهادهایی هستند که به طور عینی مشاهده می‌کنیم. در بحث مهندسی فرهنگی کشور، هم باید کارکردها را مشخص کنیم و هم ساختارها را متناسب با آنها شکل بدهیم.

• جایگاه مهندسی فرهنگی کشور

نقطه عزیمت ما در این بحث فرمایشات مقام معظم رهبری می‌باشد. ایشان شورای عالی انقلاب فرهنگی را به عنوان قرارگاه اصلی مهندسی فرهنگی کشور در نظر گرفتند.

مهندسی فرهنگ، مقدم بر مهندسی فرهنگی کشور است. برای مهندسی فرهنگ نخست باید فرهنگ آرمانی را شناخت سپس فرهنگ موجود را شناسایی نمود و با توجه به امکانات و محدودیت‌های محیط‌های درونی و بیرونی، فرهنگ مطلوب (هدف) را تعیین نمود.

• اجزاء و انواع فرهنگ

این فرهنگ که باید بشناسیم و بعد برای مدیریت و مهندسی براساس آن اقدام کنیم، چه اجزایی دارد؟

فرهنگ شامل دو جزء اصلی است: فرهنگ یک جامعه، اساس هویت آن جامعه است. فرهنگ که می‌گوییم اعم از: مظاهر فرهنگی مانند زبان و خط و امثال اینها و آنچه باطن و اصل تشکیل‌دهنده پیکره

فرهنگ ملی است مثل: عقاید، آداب اجتماعی، مورث ملی، خصلت‌های بومی و قومی. اینها ارکان و مصالح تشکیل‌دهنده فرهنگ یک ملت است.

«مقام معظم رهبری ۱۳۸۱»

نکته مهم این است که این دو جزء باید در تعامل سیستمی با هم باشند. ظاهر فرهنگ باید مبتنی بر باطن فرهنگ باشد. انواع فرهنگ عبارت است از: فرهنگ ملی، فرهنگ عمومی، فرهنگ تخصصی، فرهنگ سازمانی.

• فرهنگ ملی

عاملی که یک ملت را به رکود و خمودی یا تحرک و ایستادگی یا صبر و حوصله یا پرخاشگری و بی‌حوصلگی یا اظهار ذلت در مقابل دیگران یا احساس غرور و عزت در مقابل دیگران یا به تحرک و فعالیت تولیدی یا به بیگاری و خمودی تحریک می‌کند فرهنگ ملی است.

«مقام معظم رهبری ۱۳۸۱»

• فرهنگ عمومی

فرهنگ به عنوان شکل‌دهنده به ذهن و رفتار عمومی جامعه است. اندیشیدن و تصمیم‌گیری جامعه بر اساس فرهنگی است که بر ذهن آنها حاکم است. در داخل کشور، چیزهایی که در فرهنگ عمومی، ضعیف است یا جایش کم است، کدام است؟

«مقام معظم رهبری ۱۳۸۱»

• فرهنگ تخصصی

فرهنگ به عنوان جهت‌دهنده به تصمیمات کلان کشور - حتی تصمیم‌های اقتصادی، سیاسی مدیریتی است. وقتی ما می‌خواهیم ساختمان بسازیم و شهرسازی کنیم در واقع با این کار داریم فرهنگی را ترویج می‌کنیم یا تولید می‌کنیم یا اشاعه می‌دهیم.

«مقام معظم رهبری ۱۳۸۱»

• فرهنگ سازمانی

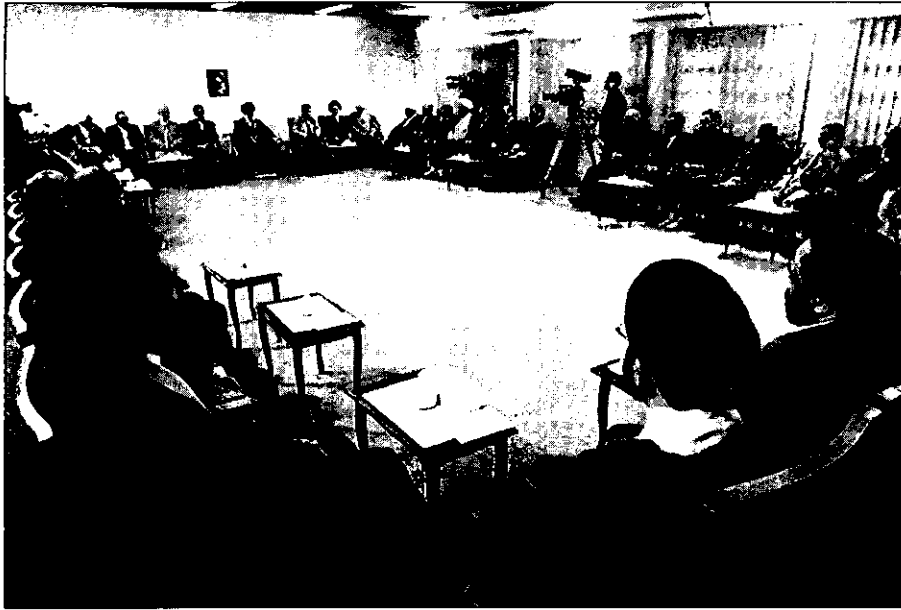
موارد دیگر، فرهنگ ازدواج، فرهنگ رانندگی، فرهنگ خانواده، فرهنگ اداره، فرهنگ لباس است.

«مقام معظم رهبری ۱۳۸۱»

فرهنگ اداره، امروز معادل فرهنگ سازمانی است و در ادبیات مدیریت به عنوان یک مقوله جدی و مورد توجه است.

مهندسی فرهنگ کشور به این معنا است که فرهنگ ملی، فرهنگ عمومی، فرهنگ تخصصی، فرهنگ سازمانی به یک نظم، جهت‌گیری، جهت‌یابی و انسجام برسند. با این دید





همه دستگاه‌ها و سازمان‌های کشورمان در موضوع فرهنگ نقش دارند.

دستگاه‌های فرهنگی همانگونه مسؤل فرهنگ کشور هستند که سازمان حفاظت محیط زیست، مسؤل حفاظت محیط زیست کشور است. همه دستگاه‌ها، چه بسا دستگاه‌های اقتصادی که به ظاهر غیر فرهنگی تلقی می‌شوند می‌توانند در یک مقطعی فرهنگ سازتر از دستگاه‌های فرهنگی باشند و نقش آنها در اصلاح یا تخریب یک فرهنگ خیلی زیاد باشد.

### • نقشه مهندسی فرهنگی کشور

برای این که همه دستگاه‌ها و کارکردهای آنان در جهت فرهنگ مطلوب سمت و سو بگیرد نخست باید نقشه مهندسی فرهنگی کشور، ترسیم شود. تهیه این نقشه، وظیفه شورای عالی انقلاب فرهنگی است.

براساس این نقشه است که شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان قرارگاه اصلی می‌تواند جایگاه‌های مؤثر نظام را هدایت کند. حتی مجمع تشخیص مصلحت را برای تهیه سیاست‌های پیشنهادی ضروری، راهنمایی کند.

مقام معظم رهبری به صراحت اشاره دارند که شورای عالی انقلاب فرهنگی مرکز مهندسی فرهنگی و حراست کننده فرهنگ کشور است این قرارگاه اصلی به دو چیز احتیاج دارد:

۱- عقبه علمی و فکری ۲- خط مقدم اجرایی. مجلس، دولت، قوه قضاییه و مجمع تشخیص مصلحت، خط مقدم اجرایی هستند و همه مراکز علمی و پژوهشی دانشگاهی و حوزوی، عقبه علمی و فکری شورای عالی انقلاب فرهنگی محسوب می‌شوند. الزام اساسی که برای اجرایی شدن نقشه مهندسی فرهنگی کشور وجود دارد، اعمال مدیریت راهبردی فرهنگی است. مدیریت راهبردی دو وظیفه عمده بر عهده دارد:

۱- شاخص‌های روشن و مشخصی برای هدف فرهنگی مشخص کند ۲- نرخ موجود و نرخ هدف را تعیین کند. در این مورد مقام معظم رهبری در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی اشاره دارند و می‌فرمایند: «باید تأثیر مجموعه کارهایی را که انجام می‌دهیم مشخص کنیم و بتوانیم بسنجیم که خروجی کارمان در مجموع نظام، در حوزه فرهنگ چگونه است.» و اشاره می‌کنند به یکی از بندهای شرح وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی و می‌فرمایند: «تعیین شاخص‌های ارزیابی وضعیت فرهنگی، آموزشی و تحقیقاتی کشور به عهده شورای عالی است.» براساس این شاخص‌ها باید بتوان وضعیت امروز فرهنگ کشور را به صورت

کمی ارزیابی کرد و بعد هم وضعیت هدف را مشخص نمود.

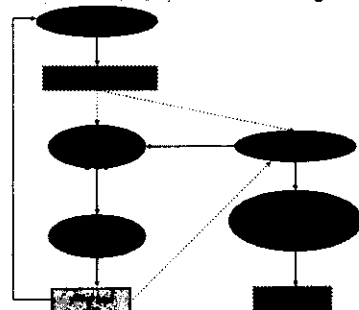
### • اجزاء نقشه مهندسی فرهنگی کشور

معمولاً هر نقشه‌ای را جلوی خودتان بگذارید با نگاهی فنی و تخصصی متوجه می‌شوید:

۱- چه کارهایی باید انجام شود.  
۲- چه کسانی باید این کارها را انجام دهند.  
۳- چگونه باید آن کارها انجام شود.

بنا بر این باید اول کارکردها را مشخص کنیم. ما از مجموعه نظامان چه کارکردهایی انتظار داریم. قاعدتاً این کارکردها در جهت هدف اصلی نظام جمهوری اسلامی که رشد فرهنگ و ارزش‌های اسلامی است تعریف می‌شود. وقتی این کارکرد در سطح نظام‌ها و سازمان‌ها و نهادها تعریف می‌شود، مشخص می‌گردد که هر سازمانی، هر مجموعه‌ای چه کارکردی باید داشته باشد تا این مجموعه کارکردها روی همدیگر هدف کلان نظام را محقق کنند.

بنابراین ساختارهایی که در مجموعه نظام ما وجود دارند باید متناسب با آن کارکرد که مورد انتظار هست مهندسی شده باشند. مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی کشور و مدیریت فرهنگی کشور، یکباره انجام نمی‌پذیرد بلکه پروسه‌ای است که به طور مستمر باید در حال انجام و در حال تکامل باشد و همه دستگاه‌ها و ساختارهای کشور هم برای انجام آن مهندسی آماده شوند.



یک فرد، یک جمع، یک دستگاه نمی‌تواند مهندسی فرهنگ را انجام دهد. یک مجموعه کارکردهایی منجر به مهندسی فرهنگ خواهد شد. این کارکردها عبارت از شناخت فرهنگ آرمانی، شناخت فرهنگ موجود و تعیین فرهنگ هدف در انواع واحزاء فرهنگ می‌باشد.

انجام این کارکردها که خیلی سهل بیان می‌شود کاری عظیم و پیچیده هست، کار فکری و علمی سنگینی می‌طلبد که انشاءالله با انجام آن وجه تمایز نظام جمهوری اسلامی با سایر کشورها و جوامعی که به فرهنگ و ارزش‌های اصلی چون فرهنگ اسلامی پایبند نیستند قابل محقق شدن باشد.

وقتی نقشه مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی کشور ترسیم شود، آن وقت مشخص می‌شود که چه کارهایی، با چه اولویتی و توسط چه ساختارهایی باید انجام پذیرد.

در تهیه نقشه مهندسی فرهنگی نخست باید مهندسی فرهنگ صورت بگیرد، فرهنگ موجود، فرهنگ آرمانی و فرهنگ هدف مشخص شود. سپس نوع مهندسی حاکم بر زیر نظام‌های جامعه و بر کلان نظام جامعه مشخص شود، ضعف‌های آن دیده شود، وضعیت آرمانی ترسیم گردد و با توجه به امکانات و محدودیت‌ها، نوع مهندسی مطلوب و قابل اعمال بر زیر نظام‌ها را تعیین کنیم بعد به سراغ اصلاح و تحول در ساختارهایی که تاکنون ایجاد کردیم برویم.

به این ترتیب نقشه مهندسی فرهنگی کشور به حول و قوه الهی مشخص می‌شود. پس از تأیید و تصویب این نقشه در شورای عالی انقلاب فرهنگی و تأمین نظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، خط مقدم اصلی یعنی مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس شورای اسلامی، دولت و قوه قضاییه و سایر جایگاه‌های ذیربط باید نسبت به اجراء و پیاده نمودن این نقشه همت گمارزند.